روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۷۱ ■ یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۸ مه ۲۰۰۶

آبادان	+۴۳+۳۰	بیرجند	+۳۱+۱۸	سنندج	+۲۸+۱۱	همدان	+۲۶+۱۱
اراک	+۲۸+۱۳	تهران	+۳۱+۱۸	شهرکرد	+۲۵+۱۲	یاسوج	+۳۳+۲۰
اردبیل	+۲۳+۱۲	تبریز	+۲۸+۹	شیراز	+۳۳+۲۰	یزد	+۳۰+۱۸
ارومیه	+۲۸+۱۱	خرم‌آباد	+۲۹+۱۵	قزوین	+۲۲+۱۴	دبی	+۳۸+۲۷
اصفهان	+۳۰+۱۳	رشت	+۲۶+۱۵	کرمان	+۱۸+۱۲	نجف	+۴۲+۲۷
اهواز	+۴۵+۲۸	زاهدان	+۳۶+۲۲	کرمانشاه	+۲۹+۱۵	مکه	+۳۹+۲۶
ایلام	+۳۱+۱۹	زنجان	+۲۷+۱۱	کاشان	+۲۳+۸	مدینه	+۴۳+۲۷
بجنورد	+۲۸+۱۷	زابل	+۳۹+۲۵	کیش	+۳۸+۳۰	لندن	+۱۷+۱۰
بندرعباس	+۳۹+۲۶	ساری	+۳۰+۱۶	گرگان	+۲۳+۹	پاریس	+۱۵+۱۳
بوشهر	+۳۴+۳۲	سمنان	+۳۰+۱۸	مشهد	+۲۱+۱۰	استانبول	+۲۷+۱۲

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۱ اذان مغرب ۱۹:۳۰ اذان صبح فردا ۳:۱۲

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال اولین شب آرامش (تکرار)	سه	۱۳/۴۰
نقش برآب (تکرار)	یک	۱۵/۱۵
سریال اتاق جنایت (تکرار)	پنج	۱۹/۰۰
سریال روشنایی شهر	دو	۲۱/۰۰
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱/۰۰
سینما و ماوراء	چهار	۲۱/۱۵
ماموران مخفی پلیس	یک	۲۲/۱۰

سینمای امروز

آتش بس (تهمینه میلانی)

فرهنگ- آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس ۱- گلریز ۱- آسیا- بهمن۲- جوان۲- قیام- جوان۲- پیروزی- المپیا- تهران۱- شاهد- پایتخت- ناهید- ماندانا

باغ های کندلوس (ایرج کریمی)

فرهنگ۲- فلسطین۲- سپیده۲- ایران۲

چند می گیری گریه کنی (شاهد احمدلو)

استقلال- جمهوری- بلوار- آستارا- کارون- بهمن۱- فردوسی- شاهد- مرکزی۱- دهکده- سروش- ملت- پیوند- تهران۲- کانون- گلریز- فلسطین۳- حافظ

به آهستگی (مازیار میری)

عصرجدید۱- صحرا- شهر تماشا۲

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)

قدس- ایران ۳- فلسطین۱- مرکزی۲ جی۱- جوان- میلاد

تجسمی امروز

نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه والی ۸۸۰۴۳۶۸۷

نماشگاه نقاشی مهرو اصغری
نگارخانه دی ۸۸۷۰۰۸۴۹

نمایشگاه نقاشی مینو اسعدی
نگارخانه کمال‌الدین بهزاد ۸۸۹۶۰۴۵۳

نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه ماه ۲۲۰۴۵۸۷۹

نمایشگاه نقاشی سپیده فرزام
نگارخانه اعتماد ۲۲۵۹۹۱۲۷

نمایشگاه عکس
موزه هنرهای معاصر تهران ۸۸۹۵۱۹۶۵

نمایشگاه نقاشی فرزانه قریشی
گالری گلستان ۲۲۵۴۱۵۸۹

نمایشگاه گروهی طراحی و نقش برجسته
نگارخانه نیاکان ۶۶۹۳۴۳۱۸

نمایشگاه نقش برجسته سفالین از محمود کثیری
نگارخانه نقش جهان ۲۲۷۳۵۲۷۰

نمایشگاه عکس آنه ماری شوارتسنبحاخ
گالری میرمیران ۸۸۸۳۶۶۷۱

نمایشگاه نقاشی مینو عمادی
نگارخانه طراحان آزاد ۸۸۰۰۸۶۷۶

نمایشگاه نقاشی و مجسمه سازی
نگارخانه سبلان ۸۸۶۸۰۹۴۴

کارگاه نقاشی گیزلا وارگا سینایی
نگارخانه پاسارگاد ۲۲۵۴۰۴۰۷

نمایشگاه مس نگارینه داود اکبری
نگارخانه پارت ۸۸۷۸۳۵۲۰

نمایشگاه گروهی نقاشی
نگارخانه ابراهیمی نژاد ۳۳۷۲۹۱۴۲

تئاتر روز

از خاک تا افلاک
سالن اصلی تئاترشهر- ۲۰/۰۰

درام‌های زندگی
فرهنگسرای نیاوران- ۱۹/۰۰

دو متر در دو متر جنگ
تئاترشهر- ۱۹/۳۰

امشب باید بمیرم
سالن چهارسو تئاترشهر- ۱۹/۰۰

فرهنگ

بیژن ترقی خاطره می‌گوید

خبرساز

محمد رهبر: از طلایه‌داران دهه‌های طلایی موسیقی ایران حالا چند کسی بیشتر نمانده‌اند و از گروه یکدل علی تجویدی، دلکش و بیژن ترقی. تنها همین آخری مانده است که این روزها با احوال ناخوش به کار نوشتن خاطرات دست برده است. بیژن ترقی که شعرهایش هنوز در یاد چندین نسل از ایرانیان مانده است و اتفاقاً اجرای سال‌ها پیش افتخاری در آلبوم یاد استاد هم این یادواره‌ها را زنده‌تر کرد، مجموعه اول خاطراتش را قبلاً منتشر کرده بود و این دومین جلد را با عنوان پشت دیوار خاطره به چاپ می‌رساند که مجموعه‌ای است از خاطراتش از پرویز یاحقی، علی تجویدی و روح‌الله خالقی و دیگران. این ترانه‌سرای قدیمی در این سال‌های اخیر ترانه هم سروده است که قرار است در کتابی به نام آتش کاروان که اجازه نشر گرفته بیاید و به مشتاقانش برسد. نام این کتاب هم یادآور شعر ترانه‌ای مشهور است: «آتشی ز کاروان جدا مانده.» بیژن ترقی از ترانه‌سرایانی است که دیگر نمی‌توان امید داشت که جایگزینی دارند. شناخت درست از شعر سنتی در کنار آشنایی با موسیقی، از ترانه‌های بیژن معجونی ساخته است که در عین روانی و سلاست، فخیم و وزین است و آن‌چنان بر آهنگ‌هایی که استادانه ساخته می‌شد و اغلب کار تجویدی، می‌نشست که شنونده می‌ماند که این شعر است که ابتدا ساخته شده و یا آهنگ است که اول‌بار تنظیم شده و یا هر دو با هم مثل تاروپود، توأمان تنیده شده‌اند. در ترانه‌های ترقی ساختار زبان سالم است و قافیه و اوزان بر سر جامانده و به قاعده، و آخر ابیات هم رها و یله نیست و به اوزان کاذب سر هم نشده است. هر چه هست گویا دوران ترقی گذشته است و دیگر نمی‌توان آهنگ‌های آن‌چنان را انتظار برد. زمانه آن‌قدر تغییر کرده که آرامش‌اش را از دست داده و آن آرام و قرار نیست تا به شعر و صدا و موسیقی آرامشی دهد.

امشب؛ پایان «کن ۲۰۰۶»

اسپانیا یا مکزیک؟

کن ۲۰۰۶

سیدنی پولاک در کن ۲۰۰۶

وصال روحانی: جشنواره امسال فیلم کن که پنجاه و نهمین دوره این فستیوال است و امشب با اعلام آرای نهایی و اسامی فاتحان نخل‌های طلا پایان می‌گیرد، از یک دیدگاه در تسخیر کارهای اسپانیایی و مکزیکی بوده است و دیشب با اکران آخرین فیلم بخش مسابقه این ماجرا شدت گرفت. درست است که فیلم‌هایی از اروپا هم امسال درخشش‌هایی داشته‌اند و اسامی شماری از آنها (شامل The Caiman به کارگردانی نانی مورتی از ایتالیا) را دیروز هم آوردیم، اما جشنواره امسال کن به نمایش درآورنده ارزش‌ها و غنای سینمای آمریکای جنوبی، شمالی و کلاً فرهنگ لاتین نیز بوده است. در نقطه مقابل سینمای آمریکا در ادامه نزول محتوایی و موضوعی سال‌های اخیرش سقوط و ناکامی‌های تازه‌ای را در دل مهمترین فستیوال سینمای دنیا تجربه کرده است. آنچه می‌ماند، تاثیر مسائل فوق بر روی هیات ژوری جشنواره و نظر رئیس و اعضای شاخص این هیات در خصوص مسائل فوق است و امشب مشخص می‌شود «وونگ کارواي» کارگردان هنگ‌کنگی که رئیس این هیات است و دستیارانش شامل هلنا بونهام کارتر، ژانگ ژی‌ای، ساموئل ال‌جکسون و تیم روت تا چه حد مایل به پذیرش حقایقی بوده‌اند که وصف آن را آوردیم. اما تاریخ به ما می‌گوید که دوران فستیوال معمولاً آرایی غیرقابل پیش‌بینی داشته و بسیاری را غافلگیر کرده‌اند و گزینش «فیل» کار گاس ون‌سانت در سال ۲۰۰۳ و «فارنهایت ۹/۱۱» ساخته مایکل مور در سال ۲۰۰۴ و اهدای نخل طلا به آنها نشانگر همین رویکردها بوده است و حتی دادن این جایزه به «کودک» کار برادران داردنه بلژیکی در سال گذشته نیز پیرو همین سلیقه بود. هرچه هست امسال مردم و منتقدان Volver را بسیار ستوده‌اند. «بابل» کار جدید ایناریتو با بازی براد پیت و کیت بلنچت در رل‌های اصلی و دربرداشتن شمار زیادی از بازیگران حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای همانند «Volver» نظرهای موافق بسیاری را برانگیخته است. «پیچراهه پن» رویاهای یک دختر تنها و فانتزی‌های تحقق نیافتنی او را در سال ۱۹۹۴ یعنی عصر رواج فاشیسم و اوایل حکومت دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا را نشان می‌دهد و نوعی شکوه گمشده، احساس انسانیت از دست رفته و تم‌های سیاسی توام با آن را به نمایش می‌گذارد و تا قبل از اکران آن در شنبه شب، آگاهان و نزدیکان با تحسین از آن یاد می‌کردند. دل تورو که پیشتر یک کار هالیوودی پرفروش و حادثه‌ای به نام «پسر جهنمی» را ساخته، کار جدیدش را کامل‌ترین و پرمعناترین فیلم عمرش خوانده است. حتی یکی از پرامیدترین فیلم‌های آمریکا در جشنواره امسال که «ماری آنتوانت» ساخته سوفیا کاپولا است، تحسین چندانی را به هنگام نمایش‌اش در روزهای جمعه و شنبه برنیانگیخت. آیا به سوی یک پیروزی اسپانیایی یا مکزیکی حرکت نمی‌کنیم؟

این نودهای تلویزیون

نگاه روز

حسین یاغچی: رئیس سازمان صدا و سیما روز گذشته پیرامون تولید فیلم‌های تلویزیونی ۹۰دقیقه‌ای در این سازمان اظهارنظر کرده است. او درباره سطح کیفی پایین برخی فیلم‌های تلویزیونی و به‌کارگیری افراد تازه‌کار در تولید این آثار به ایسنا گفته: «در مورد پروژه‌ای که تولید می‌شود قضاوت‌های مثبت یا منفی بسیاری وجود دارد. ضمن اینکه یک مجموعه حرفه‌ای بسیار قوی ممکن است تولیدی را انجام دهند که بسیار ضعیف از آب درآید.» او همچنین از تولید ۱۸۸ فیلم بلند ویدئویی در طول دو سال گذشته خبر داده که حدود نیمی از آنها به تولید کامل رسیده است. در این سال‌ها تهیه‌کنندگان تلویزیونی یا در آرزوی تولید مجموعه‌های ۹۰ قسمتی بوده‌اند و یا خیال تولید بی‌دردسر فیلم‌های تلویزیونی ۹۰ دقیقه‌ای را در سر پرورانده‌اند و گویی تولید مطلوب از نگاه تهیه‌کنندگان تلویزیونی در آن تولیداتی خلاصه می‌شده که به نوعی با عدد ۹۰ سروکار دارند و تولیدی جز این چندان منفعتی برایشان نداشته است. اما شباهت‌های تولید این دو نوع برنامه تنها در عدد ۹۰ خلاصه نمی‌شود و می‌توان شباهت‌های دیگری هم در تولید آنها سراغ گرفت. چه هر دو آنها بر اساس نوعی اضطرار در چارت تولیدی صدا و سیما قرار گرفته‌اند و معمولاً این اضطرار به شرایط تولید آنها هم انتقال پیدا کرده است. اگر مقایسه تولید مجموعه‌های نودشبی با نمونه‌های مشابه خارجی‌شان معمولاً راهگشا بوده است، به نظر می‌رسد در مورد فیلم‌های تلویزیونی هم می‌توان به چنین مقایسه‌ای پناه برد و پیشنهاداتی ارائه داد. آنچنان که از زبان مطلعان این رشته شنیده‌ایم، معمولاً تولید فیلم‌های تلویزیونی در کشورهای خارجی برعهده کمپانی‌های کوچکی است که صاحب تلویزیون نیستند اما بخش مهمی از تولیدات تلویزیون را برای محصولات خودشان تامین می‌کنند. بنابراین یک تلویزیون معمولاً به طور مستقیم درگیر تولید یک فیلم ویدئویی نمی‌شود و این مهم را برعهده موسسات اقماری مستقل از خود می‌گذارد و تنها در ارائه چارچوب‌های کلی داستان در این فیلم‌ها از طریق خرید یا عدم خرید آنها دخالت می‌کند. در چنین حالتی عرصه جذابی برای تجربه تولید یک محصول متفاوت تلویزیونی شکل می‌گیرد که نمونه‌هایی از این تجربه متفاوت را در جشنواره سیما دیده‌ایم. در ایران تولید فیلم‌های تلویزیونی معمولاً برعهده شرکت‌های دولتی چون سیمافیلم است و شاید به همین خاطر باشد که در طول این سال‌ها فیلم‌هایی در این رده تولید شده‌اند که قابلیت پخش با حداقل استانداردها را هم نداشته‌اند. به نظر می‌رسد که تلویزیون باید نگاه خود را به تولید فیلم‌های تلویزیونی تغییر دهد و دلایل تولید آن را در مواردی چون کاهش دادن خرید فیلم‌های سینمای ایران جست‌وجو نکند بلکه به این عرصه به عنوان تجربه‌ای جدید در برنامه‌سازی تلویزیونی نگاه کند و بر همین اساس، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی جدیدی انجام دهد.

تجدید نظر در جایزه «جلال آل احمد»

خبر روز

برپایی جوایز ادبی و هنری به‌نام و یاد بزرگان ادبیات و هنر جدای از یاد نام و آثار این بزرگان هرساله اهالی ادب و هنر را گردهم می‌آورد و آثار آنها نیز به نقد و بررسی گذاشته می‌شود. «جلال آل احمد» نیز به‌عنوان یکی از تاثیرگذاران ادبیات ایران چهره‌ای است که برپایی جایزه‌ای به‌نام او مدت‌ها مورد بحث و بررسی بود تا اینکه سال گذشته مصوبه جایزه «جلال» در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. اما این طرح تا امروز اجرا نشده و شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال تجدید نظر روی این طرح است. حسن غفوری فرد رئیس هیات نظارت بر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره طرح اهدای جایزه ادبی «جلال آل احمد» می‌گوید که در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث روی این بود که جایزه «جلال» تنها در رشته ادبیات باشد یا اینکه حوزه‌های سینما و تئاتر و رشته‌های هنری دیگر هم در این جایزه گنجانده شود. غفوری فرد می‌گوید که بعضی‌ها معتقدند چون آل احمد یک نویسنده بوده جایزه‌اش هم باید در حوزه ادبیات برپا شود. اما برخی دیگر معتقدند که این جایزه باید عمومیت بیشتری داشته باشد. غفوری فرد گفته است که مصوبه این جایزه با اشکالات اجرایی مواجه است و این طور نیست که کسی مانع اجرای آن باشد.

■ **تصحیح**

روز گذشته خبری با عنوان «افتخاری بالاخره کنسرت می‌گذارد؟» در همین صفحه منتشر شد که در آن به اشتباه فریدون شهبازیان و عباس خوشدل آهنگسازان آلبوم «سکوت» عنوان شده بودند که در حقیقت تنها عباس خوشدل آهنگساز این آلبوم و آلبوم «نیلوفرانه» است که بدین وسیله تصحیح می‌شود.

گدا

نگاه طراح

جمال رحمتی

▼ گدایان تهران بار دیگر جمع آوری می شوند

مارادونا را بی خیال

هنر فوتبال

علی بختیار: حاشیه، قصه شیرینی است که در همه جا حضور دارد. سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر، ورزش و بیش از همه در فوتبال- جذاب‌ترین، پیچیده‌ترین و پرحاشیه‌ترین پدیده قرن اخیر- حاشیه‌های فوتبال در هر جامعه تناسبی مشهود و مستقیم با شرایط فرهنگی و اجتماعی آن دارد. تناسبی که با نگاهی مبتنی بر منطق، قابل نتیجه‌گیری و دریافت احکام کلی است. حاشیه‌های جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان را در مقایسه‌ای بین قاره‌ای مرور می‌کنیم:

۱- قاره آفریقا: کابوسی که خواب خوش را از چشم بزرگان فوتبال جهان ربوده است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد موفقیت هر تیم آفریقایی، حاکمیت سیاسی آن کشور را دست‌کم برای مدتی تثبیت می‌کند. با این حساب اگر شورشیان دارفور- که در یک‌سال اخیر به هیچ صراطی مستقیم نشده‌اند- را دیدید که در کنار نیروهای دولتی به تماشای فوتبال نشسته‌اند و تخمه می‌شکنند اصلاً تعجب نکنید. دیگر آنکه پس از پایان رقابت‌ها شاهد اعطای القاب گوناگون ورزشی نویسان جهان به ستارگان آفریقایی خواهیم بود. (توضیح دستوری: صفت رنگی «سیاه»- که از صفات پسین است- در اینجا کاربرد فراوانی می‌یابد.) مروارید سیاه، الماس سیاه، فیروزه سیاه! و... از این جمله‌اند. گفتنی است در زیست‌بوم آفریقا گونه‌هایی چون «غزال تیزپا» و «عقاب آسیا» یافت نمی‌شود.

۲- قاره آسیا: در سه گروه قرار می‌گیرد: کشورهای عربی چه ببرند و چه ببازند، در پایان بازی‌ها مربی‌شان را اخراج می‌کنند. دیگر اینکه در افزایش روحیه و تفاضل گل حریفان، نقش بی‌بدیلی را در جام‌جهانی ایفا می‌کنند. شرق آسیا: «چشم بادامی‌ها» طبق روالی که دیگر به آن عادت کرده‌ایم باز هم شگفتی‌ساز خواهند شد. چهار سال هم طول می‌کشد تا گزارشگران ما اسامی این شگفتی‌سازان را درست تلفظ کنند. ایران: با همه جای عالم فرق دارد. چرا؟ چون درست در آستانه آغاز این رویداد مهم جهانی، رئیس کل ورزش و رئیس فوتبالش برجک هم را می‌زنند. مربی‌اش هم آنقدر درست و حساب شده تمرین می‌دهد که سه تا از ستارگانش برای حداقل چند ماه خانه‌نشین شده، رقابت‌ها را مانند شورشیان دارفور از تلویزیون پی می‌گیرند!

۳- قاره آمریکا: آمریکای شمالی: اساساً حرفی برای گفتن ندارند! آمریکای جنوبی: ما که نمی‌دانیم اما می‌گویند فوتبال توی خونشان است؛ العهده علی الروات (مدیران محترم آزمایشگاه‌های پاتولوژی ریودو ژانیرو و بوئنوس آیرس).

یک هفته با نمایش‌های شاد در تالارهای تهران

تئاتر

این هفته در تالارهای تهران در نقاط گوناگون، نمایش‌های مختلفی روی صحنه است. بخش عمده‌ای از این نمایش‌ها که در مجموعه تئاترشهر در حال اجرا است، همزمان با ایام بزرگداشت فتح خرمشهر با موضوع جنگ به روی صحنه رفته‌اند. از این نمایش‌ها که از استقبال خوبی نیز برخوردار شده‌اند عبارتند از: «از خاک تا افلاک» به نویسندگی مهدی متوسلی و کارگردانی محمود فرهنگ. جلوه‌های ویژه نمایش در سالن اصلی مجموعه تئاترشهر و بازی خوب عبدی در این نمایش از مهمترین مولفه‌های تماشاگرپسند بودن آن است. تعدادی رزمنده که در زمان جنگ در پشت یک خاکریز محاصره شده‌اند، با هم قرار می‌گذارند که اگر زنده ماندند چهل سال بعد یکدیگر را در پشت همان خاکریز ملاقات کنند، اما از آن افراد فقط پنج نفر مانده‌اند. کمدی «دو متر در دو متر جنگ» به کارگردانی نیما دهقان نیز با بازی‌های هدایت هاشمی، فرزین صابونی، علیرضا محمدی و سینا رازانی مورد توجه تماشاگران قرار گرفته است. در این نمایش شاد شاهد نگاه دیگری به جنگ و حواشی آن خواهید بود. «عشق پیری» نمایشی از اصغر سمسارزاده است که هر شب در مجموعه چمران روی صحنه می‌رود و تماشاگران زیادی دارد. اصغر سمسارزاده، محمدرضا اسماعیلی، مرتضی تبریزی، داریوش هاشمی، فریبا قاسمی و سهیلا جدیری بازیگران این نمایش هستند. این نمایش در گروه نمایش‌های آزادی است که در بخش خصوصی و متکی به بودجه بخش خصوصی اجرا می‌شود و تماشاگران زیادی دارد به گونه‌ای که برخی از شب‌ها چند اجرا دارد. بابک محمدی با نمایش «درام‌های زندگی» در فرهنگسرای نیاوران بار دیگر رونقی به تئاتر در نیاوران داده است. افسر اسدی، مریم سعادت، مائده طهماسبی، احمد ساعتچیان، محمدرضا جوزی، محمود اکبرشاهی، کاظم سیاحی، شیما بخشنده و مژگان جودی بازیگران حرفه‌ای هستند که در این نمایش بازی دارند. «درام‌های زندگی» مجموعه نمایشنامه‌های کوتاهی برگرفته از زندگی روزمره انسان‌ها است.

جام‌جهانی در همشهری جوان

مجله‌ها

هفته‌نامه «همشهری جوان» ویژه جام‌جهانی آلمان منتشر شد. «روزهایی نه مثل همه روزهای خدا» عنوان مطلب آغازین این ویژه‌نامه است. «خدایا! ما را بسوزان» عنوان مطلب دیگری درباره تب جام‌جهانی است. «ایران مقابل لاتین‌های رجزخوان» و «جام‌جهانی در آی‌تک» نیز عنوان مطالبی نوشته اعضای تحریریه همشهری جوان است. «آقایان، خانم‌ها به جام‌جهانی خوش آمدید!» عنوان مطلبی شامل حرف‌های جذاب شخصیت‌های جذاب مملکت درباره جام‌جهانی است. «فقط به مکزیک فکر می‌کنم» عنوان مطلبی درباره آخرین امیدواری‌های ایوانکوویچ سرمربی تیم ملی ایران است. «سلام بر جام‌جهانی ۱۹۷۸» و روایت کاپیتان تیم ملی علی پروین در جام‌جهانی سال ۷۸ مطلب خواندنی دیگری در ویژه‌نامه جام‌جهانی همشهری جوان است. «چهل سال بعد... فوتبال ایران» نیز عنوان کمیک‌استریپی دیدنی و خواندنی از بزرگمهر حسین‌پور است که پرونده ویژه‌نامه جام‌جهانی با آن بسته می‌شود. «زندگی داشتن یک بشقاب است!» گزارشی از طرح‌های تازه مجلس درباره پدیده ماهواره، «از کن تا سولقون!» از دیگر مطالب این شماره است. شماره ۶۹ «همشهری جوان» در ۸۴ صفحه و با قیمت ۲۰۰ تومان منتشر شده است.

■ **گفتمان حقوق منتشر شد**

بعد از یک‌سال تلاش، سرانجام شماره جدید گفتمان حقوق به سردبیری حسین فراستخواه منتشر شد. این شماره به موضوع تازه «حقوق و اقتصاد» اختصاص یافته است و در آن مطالبی از فردریش فون‌هایک، ماری روتبارد، رزا لوکزامبورگ، ناصر کاتوزیان، موسی غنی‌نژاد، فریبرز رئیس‌دانا و دیگر استادان، کارشناسان و دانشجویان حقوق و اقتصاد به چاپ رسیده است. این ویژه‌نامه در ۱۱۲ صفحه تنظیم شده و حاوی مطالبی درخصوص مبانی معرفت‌شناختی حقوق و اقتصاد، مبانی نظری آن، اقتصاد سیاسی، حقوق تجارت، حقوق ثبت، حقوق بین‌الملل، سرمایه‌گذاری خارجی، سازمان تجارت جهانی، توسعه و... است.

تکثیر تاسف‌انگیز ابومسیلمه کذاب

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

این روزها بازار دروغ گفتن و قپی آمدن، رونق عجیبی دارد و به حد تابستان در راه، گرم است. خیلی‌ها دروغ می‌گویند و از فرط گفتن، لاف‌های خود را باور می‌کنند، یک اتفاق جالب هم افتاده و آن اینکه دیگر کسی بابت دروغگویی دچار عذاب‌وجدان نمی‌شود و خود را سرزنش نمی‌کند. به گفته آقای کپورچالی، سال‌ها است که طی دستورالعملی یا بهتر بگویم طبق توافق‌نامه‌ای که نفس اماره با نفس لوامه داشته، امور کوچکی مثل چشم‌چرانی، خوردن مال دیگران و غیبت، تهمت و دروغ، در زمره امورات (Free) قرار گرفته‌اند و به جهت زیر دست‌وپا ریختن و تکرار، آن‌قدر عادی شده‌اند که نیازی نیست نفس لوامه خود را به زحمت انداخته و پی درپی یقه صاحب خویش را بگیرد و عیشش را منغص کند.

آقای مویدی: اخیراً یک دروغی باب شده که به آن می‌گویند دروغ سوئدی. یک جور دروغی است که آزاری برای کسی ندارد. محض تفریح می‌گویند. این میرفتاح خودمان هم کم از این سوئدی‌ها نمی‌گوید. چندوقت پیش آمده بود، می‌گفت: «من بودم و مرحوم انجوی شیرازی و خدا رحمت کند، اخوان‌ثالث. در آن جمع مرحوم اخوان به من، که نوجوانی نورسته و جویای نام بودم، گفت تو روزی طنزپرداز بزرگی می‌شوی.»

اخوان که خدا رحمتش کند، انجوی هم که خدا بیامرزدش، ما چطور مچش را باز کنیم، که مرد مومن چرا دروغ می‌گویی و برای خودت سابقه الکی درست می‌کنی؟

میرفتاح: در آن مجلس مرحوم جعفر محجوب هم بود. نشان به آن نشانی که خدا رحمت کند غلامحسین خان بنان یک جعبه گز از اصفهان با خودش آورده بود.

آقای کپورچالی: وقتی مردم و به دیار باقی شتافتم، اولین کاری که می‌کنم این است که به سراغ این اسیران خاک بروم و بپرسم ببینم راست می‌گویی یا نه؟

آقای امیرشاهی: سوار تاکسی شدم که بیایم اینجا. مسافت زیاد بود و حوصله‌ام سرفته بود، سر صحبت را با راننده باز کردم، اولش خیلی ساکت و کم‌حرف بود، همین که موتور زبانش گرم شد مطالبی به عرض مبارک بنده رساند که عنقریب بود شاخ دربیاورم. می‌گفت: «منو این جوری نیگاه نکنین، من قبلاً برقکار بودم. سیم‌کشی کاخ سعدآباد رو من انجام دادم. شاه این‌قدر خوشش اومده بود که به من گفت بیا راننده من شو. بعد هویدا که می‌دید من با شاه خیلی چیک تو چیکم حسودی‌اش شد و رفت پشت سر من این‌قدر برای من زد که از چشم شاه افتادم. بعد شدم راننده نصیری رئیس ساواک، انقلاب که شد، توی پرونده من جز خدمت هیچی پیدا نکردند. برای همین شدم راننده نخست‌وزیری. خدا رحمت کند بازرگانو، پاکسازی‌ها که شروع شد، من زدم بیرون و رفتم یک تاکسی خریدم و...» اگر پینوکیو بود دماغش می‌رفت توی اتوبان صدر از دوربرگردانش برمی‌گشت.

آقای روشن‌ضمیر: در فامیل ما یک مرد محترمی هست که گچ‌کاری ساختمان انجام می‌دهد. مشرف شده بود به تاج‌محل و ولیمه داده بود و ما رفتیم دیدنش. البته که جهان‌دیده بسیار گوید دروغ اما این استاد محمود گچ‌کار فرمایش‌هایی کرد که من رسماً شاخ درآوردم. می‌گفت: «آقایی که شما باشین داشتیم دور عمارت تاج‌محل می‌چرخیدیم که یه دفعه از بلندگو پیچ کردن که «اوس محمود گچ‌کار به دفتر تاج‌محل مراجعه فرمایند.» چند بار به فارسی و عربی و انگلیسی و هندی گفتند. پیش خودم گفتم چه کار با من دارند؟ اینجا هم نمی‌ذارند من تو حال خودم باشم. خلاصه رفتم دفتر. گفتن یه تیکه گچ سقف ریخته جز تو هیچ‌کسی نمی‌تونه درستش کنه. گفتم باشه ولی من فقط با ماله و شمشه خودم می‌تونم کار کنم. گفتند هر چی بخواهی اینجا هست، گفتم من جز با ماله خودم نمی‌تونم. خلاصه دردسر ندم. زنگ زدم به پسرم غلام که آب دسته زمین بذار و اون توبره منو با اولین پرواز بفرست هند. به کاروانی هم که باهاش اومده بودم گفتم شما برید که من فعلاً پاگیر شدم. اگر یک وقتی تشریف بردید تاج‌محل اگر بتونید برید داخل می‌بینید که من گوشه سقف اسمم رو هم نوشتم و تاریخ زدم.»

آقای کپورچالی: یک روز همین میرفتاح داشت برای من خاطره تعریف می‌کرد. سراسر دروغ و مهمل. از همان دروغ سوئدی‌ها که گفتید. می‌گفت: «من قبل از انقلاب توی مبارزه بودم چند بار عملیات چریکی انجام دادم بعد افتادم زندان کلی شکنجه دیدم بعد که انقلاب شد رفتم جنگ‌های نامنظم بعدش هم رفتم جنگ‌های منظم. جنگ که تمام شد اومدم تو عرصه مطبوعات. روزنامه سلام رو من راه‌اندازی کردم بعد رفتم همشهری رو راه انداختم. بعد شدم قائم‌مقام آقای زم توی حوزه هنری و... اون‌وقت حالا در ستون کرگدن‌نامه در متهالیه شرق در خدمت شما هستم.» بهش می‌گویم روی پیشانی من جمله خاصی نوشته که...

ادامه دارد

mirfattah@yahoo.com

ادامه سرمقاله

در واقع جامعه دانشگاهی به‌عنوان یکی از رکن‌های استوار جامعه مدنی می‌تواند به‌عنوان واسطه‌العقد پیمان اجتماعی میان حکومت و مردم از بروز شکاف‌های سیاسی و فرهنگی در این دو جلوگیری کند و این در صورتی میسر است که در دانشگاه شأن دانش و دانشمند به یکسان پاس داشته شود. در صورتی می‌توان انتظار پیشرفت و اعتلای علمی یک جامعه را داشت که عالمان و بزرگان آن بر صدر بنشینند و قدر ببینند. اینان پیرانی هستند که هر آنچه ما در آینه نمی‌بینیم در خشت‌خام می‌بینند. در آیین و فرهنگی که احترام استاد از پدر و مادر واجب‌تر و جور او از مهر پدر بهتر است. انتظار این است که درخور شأن و حرمت آنها رفتار شود تا سرمشقی نیکو در اختیار دانشجویانی گذاشته شود که بر این باوریم آینده را می‌سازند.